DOI: *10.29252/rbs.19.2.276*

Journal of Research in Behavioral Sciences

Year 2021, Volume 19, Issue 2

Comparison of the Effectiveness of GOD Oriented Multidimensional Spiritual Parenting and Positive Parenting Program on Self-Esteem, Self-Efficacy and Self-Control of Children with Stressed Parents

Nahid Julaieha[1], Masoud Janbozorgi[2], Ahmad Alipour[3], Abbas Pasandideh[4]

1. PhD in Psychology, Health network, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2. (Corresponding author)* Department of Psychology, Research institute of Hawzah & university, Qom, Iran.
3. Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.
4. Hadith Department, the University of Quran and Hadith, Qom, Iran

Abstract

Aim and Background: The authors conducted a quasi-experimental study to compare the effectiveness of GOSP and Triple P on self-esteem, self-efficacy and self-control of children.

Methods and Materials: The statistical population was students aged 8 to 11 who were studying in schools of 15th district of Tehran that had parents with high stress.30 mothers after screening process were randomly replaced in three experimental and control groups (10 people each). The subjects in the experimental groups were trained in (GOSP) (12 sessions), and Triple p (10 sessions according to the Saunders protocol, 1992) 120 minutes, weekly, and the control group did not receive any training. After the training course, post-test was performed for all three groups of students. Univariate analysis of covariance (ANCOVA) was used to assess data.

Findings: Results revealed that the mean scores of students in the group (GOSP) in self-esteem and self-control were significantly higher than Triple p and the control group. The scores of emotional self-efficacy of GOSP were significantly higher than the control group, while there was no significant difference between the two experimental groups. Self-esteem and self-control of children had no significant difference in two groups of positive parenting and the control group. The mean scores of self-efficacy were not significantly different in experimental groups (GOSP and triple p). Regarding social self-efficacy, no significant difference was observed between the three experimental and control groups.

Conclusions: These results suggest that the combination of God oriented spirituality perspective with considering the developmental characteristics of children, increases the effectiveness of parenting trainings on children.

Keywords: God-oriented multidimensional spiritual parenting (GOSP), positive parenting, self-efficacy, self-esteem, self-control.

Citation: Julaieha N, Janbozorgi M, Alipur A, Pasandideh A. **Comparison of the Effectiveness of GOD Oriented Multidimensional Spiritual Parenting and Positive Parenting Program on Self-Esteem, Self-Efficacy and Self-Control of Children with Stressed Parents**. Res Behav Sci 2021; 19(2): 276-292.

* **Masoud Janbozorgi,**
Email: psychjan@gmail.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

مقایسه میزان اثربخشی فرزندپروری چندبعدی معنوی خداسو و فرزندپروری مثبت بر حرمت خود، خودکارآمدی و خود مهارگری کودکان دارای والدین پراسترس

ناهید جولائیها[۱]، مسعود جان بزرگی[۲]، احمد علیپور[۳]، عباس پسندیده[۴]

۱- دکتری روانشناسی، شبکه بهداشت و درمان شهرستان ری، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۲- (نویسنده مسئول)* استاد گروه روانشناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

۳- استاد گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۴- دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: این تحقیق با هدف مقایسه اثربخشی فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو (GOSP) و فرزندپروری مثبت (TRIPLE P) بر حرمت خود، خودکارآمدی و خودمهارگری کودکان دارای والدین پراسترس، به روش نیمه‌تجربیِ سه گروهی انجام شد.

مواد و روش‌ها: جامعهٔ آماری دانش آموزان ۸ تا ۱۱ ساله‌ای بودند که در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ در مدارس منطقه ۱۵ شهر تهران مشغول به تحصیل بوده و دارای والدین پراسترس بودند؛۳۰ نفر از این مادران با نمونه‌گیری در دسترس و بعد از غربالگری در سه گروه آزمایش و کنترل (هرکدام ۱۰ نفر) به‌طور تصادفی جایگزین شدند. به آزمودنی‌های گروه آزمایش GOSP (۱۲ جلسه) و به گروه ۲، TRIPLE P (۱۰ جلسه بر اساس فرزندپروری ساندرز ۱۹۹۲) به‌صورت ۱۲۰ دقیقه هفتگی آموزش داده شد و گروه کنترل آموزشی دریافت نکردند. بعد از آموزش، پس‌آزمون برای هر سه گروه از دانش آموزان اجرا شد. نتایج با روش تحلیل کوواریانس تک متغیری تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد میانگین نمرات دانش آموزان در گروه GOSP در حرمت خود و خود مهارگری به‌طور معناداری از گروه TRIPLE P و کنترل بیشتر است. خودکارآمدی هیجانی در گروه GOSP به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل و میانگین نمرات خودکارآمدی تحصیلی در هر دو گروه آزمایش به‌طور معناداری از گروه کنترل بیشتر بود. بین حرمت خود و خود مهارگری کودکان در دو گروه TRIPLE P و گروه کنترل تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: ترکیب معنویت خدا سو با در نظر گرفتن ویژگی‌های تحولی کودکان، اثربخشی آموزش‌های فرزندپروری بر خود مهارگری، حرمت خود و خودکارآمدی در کودکان را افزایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو، فرزندپروری مثبت، خودکارآمدی، حرمت خود، خودمهارگری.

ارجاع: جولائیها ناهید، جان بزرگی مسعود، علیپور احمد، پسندیده عباس. **مقایسه میزان اثربخشی فرزندپروری چندبعدی معنوی خداسو و فرزندپروری مثبت بر حرمت خود، خودکارآمدی و خود مهارگری کودکان دارای والدین پراسترس**. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۰؛ ۱۹(۲): ۲۷۶-۲۹۲.

*- **مسعود جان بزرگی ،**

رایانامه: psychjan@gmail.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]

[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دوره‌های زندگی فرد، دوران کودکی است زیرا شخصیت فرد در همین دوران شکل می‌گیرد (۱). در همین راستا، خانواده به‌عنوان اولین و بادوام‌ترین عامل در سازندگی شخصیت و رفتارهای آتی کودک، محسوب می شود و دراین‌بین کیفیت ارتباط والدین به‌خصوص مادر با کودک، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت کودک و بهداشت روان وی در دوران بزرگسالی دارد (۲) مطالعات بسیار زیاد نشان داده‌اند که در این دوران نقش والدگری مقوله‌ای مهم است چون والدین مستقیماً محیط فیزیکی و اجتماعی کودکان را تعیین می‌کنند و به‌طور غیرمستقیم از طریق اجتماعی سازی و مدل‌سازی بر رفتار، عادات و نگرش‌های کودکان تأثیر دارند (۳).

ازجمله امور مهم در تحول دوران کودکی، برخی از ویژگی‌های روان‌شناختی است که می‌توانند روان‌بنه‌های کودک را شکل دهند؛ مانند حرمت خود که با مقداری مسامحه از آن به عزت‌نفس تعبیر می‌شود. راجرز حرمت خود را ارزیابی مداوم شخص از ارزشمندی خویشتن خود یا نوعی قضاوت نسبت به ارزشمندی وجودی خود تعریف کرده است. او معتقد است این صفت در انسان حالت عمومی دارد و محدود و زودگذر نیست و در اثر نیاز به توجه مثبت دیگران به وجود می‌آید (۴). نتایج برخی از پژوهش‌ها بیانگر این است که اگر نیاز انسان‌ها به حرمت خود ارضا نشود، نیازهای گسترده‌تری مانند نیاز به خودشکوفایی، پیشرفت یا درک از استعدادهای بالقوه محدود می‌ماند(۵).

آلپورت و راجرز، رفتارهای والدین را از عناصر عمده و اساسی در شکل‌گیری حرمت خود دانسته و معتقد هستند، چنانچه رفتار و سیمای والدین گرم و صمیمی و تأییدکننده باشد و تصویر صحیحی از هویت فرزندانشان ارائه دهد، کودک از حرمت خود، جرئت و شهامت بالا بهره‌مند شده و انگیزه‌های کنجکاوانه خود را به گونه‌های مختلف و به‌طور طبیعی ارضاء خواهد کرد. در مقابل طرد، عدم محبت، بی‌تفاوتی والدین، عدم مشارکت آن‌ها در تکالیف و کارهای فرزندان، جدی نگرفتن، توجه به نکات منفی، گوش ندادن، عدم احترام، تحقیر، تمسخر، سرزنش، تهدید، مقایسه، انتظار بیش‌ازحد، بدرفتاری با فرزند، عدم وجود گرمای والدین (ارتباط محدود) و کنترل بیش‌ازحد و کمبود استقلال با حرمت خود پایین همراه است (۶).

یکی دیگر از مهم‌ترین موضوعات پژوهشی در حوزه تحول خود کودک، خود مهارگری است (۷). خود مهارگری شامل اعمالی است که در راستای اهداف بلندمدت‌تر یا باارزش‌تر در مواجهه با تکانه‌های متعارض جستجوی لذت آنی، اطلاق می‌شود. تهرانی و یمینی (۲۰۲۰) در یک فرا تحلیل دریافتند که فرزندپروری غیر مؤثر تعیین‌کننده میزان خود مهارگری پایین است و عملکرد والدینی مؤثر تأثیرات مستقیمی بر پیشگیری از رفتارهای ضداجتماعی دارد. فراتحلیل آن‌ها نشان داد که در ارتباط بین اثربخشی والدگری بر رفتارهای ضداجتماعی، خود مهارگری نقش تعدیل‌کننده ایفا می‌کند. این فرا تحلیل در مدل‌های موجود برای عناصر مؤثر فرزندپروری بر خودمهارگری، الگوهای یکنواختی را کشف کرده است: رفتارهای حمایت‌گرانه هیجانی، نظارت، بازشناسی، انضباط مؤثر(۸).

خودکارآمدی نیز یک ویژگی روان‌شناختی مثبت می‌باشد و به باورهایی همانند قابلیت کنار آمدن با زندگی و شایستگی اطلاق می‌شود (۹). خودکارآمدی مشخص می‌کند که افراد چگونه موانع را بررسی می‌کنند؛ به‌طوری‌که افرادی که خودکارآمدی پایینی دارند به‌آسانی در روبه‌رو شدن با مشکلات متقاعد می‌شوند که رفتار آن‌ها بی‌فایده است و سریع دست از تلاش برمی‌دارند و درحالی‌که افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند موانع را وسیله‌ی بهبود مهارت‌های خود مدیریتی و پشتکار دانسته و در برابر مشکلات ایستادگی می‌کنند (۱۰). نخستین تجارب خودکارآمدی در خانواده صورت می‌گیرد که یقیناً تجارب دوران کودکی بیشتر اثرگذار هستند؛ زیرا در این دوران است که فرض‌ها، درباره خود، دیگران و جهان در حال شکل‌گیری هستند (۱۱). والدین می‌توانند با فراهم کردن تجارب مثبت و پاسخگویی به رفتارهای ارتباطی به رشد سریع‌تر خودکارآمدی کمک کنند (۱۲). زمانی که والدین نسبت به کودک و نیازهایش حساس باشند و به او در رسیدن به خواسته‌هایش یاری رسانند، این باور در کودک شکل می‌گیرد که توانایی جلب‌توجه اطرافیان و رسیدن به خواسته‌هایش را دارد. خودکارآمدی بالا با کیفیت بالای تعامل والد کودک و حساسیت، گرمی و پاسخ‌دهی مادرانه رابطه دارد (۱۳).

همان‌طور که در سطور فوق به‌طور خلاصه اشاره شد، کیفیت فرزندپروری نقش اساسی در تحول ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان ازجمله حرمت خود، خودکارآمدی و خود مهارگری دارد و والدین فرزندان خود را از طرق بسیاری، اجتماعی می‌کنند (۱۴-۱۸).

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

دو بعد مهم والدگری یعنی مراقبت و نظام تربیتی، افزون بر ایجاد حس صلاحیت، می‌توانند همراه با دشواری‌های ناشی از این مسئولیت به احساس فشار و تنیدگی در والدین منجر شوند که این تنیدگی‌ها نیز به‌نوبه خود کاهش توانایی والدین در شناسایی و درک صحیح پیام‌های کودک و درنتیجه ناتوانی در پاسخگویی اثربخش به نیازهای وی را در پی دارد (۱۹). بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که بهزیستی والدین و فرزندان آن‌ها متأثر از تنیدگی والدین است (۲, ۲۰) و تنیدگی نه‌تنها در شرایطی می‌تواند کارآیی والدین در به انجام رساندن وظایف والدینی را کاهش دهد (۲۱) بلکه حتی ممکن است به عواقب وخیم‌تری مثل کاربرد نظام تربیتی مبتنی بر انضباط خشن و گاهی بدرفتاری با کودک و حتی آزارگری و سهل‌انگاری نسبت به کودک نیز منجر شود (۲۲).

نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که آموزش به والدین درباره روش‌های کاهش تنیدگی‌شان، عامل مهمی در سلامت آن‌هاست (۲۳, ۲۴)؛ بنابراین تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری در کاهش تنیدگی مادر و سلامت روحی و روانی وی از طرفی ضامن سلامت مادر شده و از طرف دیگر سلامت مادر در رفتار والدگری بهینه و تعامل مفید و سازنده با کودک نقش اساسی دارد، چون کیفیت مطلوب این تعامل‌ها مستلزم کنش‌وری سالم جسمانی و روانی مادر است. ازاین‌رو بهبود مهارت‌های فرزندپروری و توانمندی والدین بزرگ‌ترین عامل بالقوه در بهبود شرایط سلامت روان و کیفیت زندگی کودکان و مادران و کاهش خطر مسائل رفتاری جدی کودکان است (۲۵).

متخصصان و پژوهشگران وظیفه‌دارند تا روش‌های مداخله‌گری را به نحوی تنظیم کنند که بتوانند بیشترین تأثیر را بر مادران و کودکان داشته باشند، تنیدگی آن‌ها را کاهش دهند، احساس کفایت بیشتری را در مادران به وجود آورند و کیفیت زندگی بهتری را برای آنان و فرزندانشان ایجاد کنند (۲۵).

در کنار شواهد حاکی از اثربخش بودن آموزش‌های فرزندپروری، در حوزه پژوهش‌های طولی، اثربخشی و ... (۲۶)، پژوهش‌ها نشان می‌دهد، برنامه‌ها با در نظر گرفتن مطابقت‌های فرهنگی، برای شرکت‌کنندگان مؤثرتر خواهند بود و همواره نگرانی‌هایی از بابت شمول و همه‌گیر بودن این آموزش‌ها وجود دارد (۲۷). امروزه بر اساس پژوهش‌ها شواهد فراوانی مبنی بر اینکه فرهنگ در شیوه ادراک افراد تأثیر می‌گذارد، وجود دارد (۲۸) ولی اکثر برنامه‌های فرزندپروری مبتنی بر شواهد با فرهنگ‌های خاص و گروه‌های جمعیتی و فرهنگی مطابقت داده نشده است(۲۷). یکی از این فضاها و ابعاد، معنویت و مذهب می‌باشد. مذهب یکی از جنبه‌های زندگی بسیاری از والدین و یک زمینه مهم در تحول کودکان است (۲۹).

الخانی و کالام در فصل «نقش ارزش‌ها و مذهب» در کتاب «قدرت فرزندپروری مثبت» می‌نویسند: در این فصل راه‌های عملی که اعتقادات مذهبی خانواده‌ها می‌تواند در ارسال و آموزش برنامه‌های فرزندپروری مبتنی بر شواهد ادغام‌شده و درگیری خانواده‌ها و پذیرش آن‌ها در خصوص پذیرش این برنامه‌ها را افزایش دهند، موردبررسی قرار می‌گیرد (۳۰).

در راستای توجه به اهمیت معنویت و مذهب گروهی از روان‌شناسان شروع به مطالعه در مورد ابعاد مختلف والدگری کرده‌اند مثل تقدیس یا روشی که در آن عقاید مذهبی می‌توانند به والدین کمک کند که با دوران والدگری خود مقابله مؤثر داشته باشند کردند. آن‌ها در طی این پژوهش‌ها خاطرنشان می‌سازد که نقش مذهب در کمک به والدین برای مقابله با تنیدگی بسیار زیاد است (۳۲ و ۳۱).

مذهبی بودن ممکن است مکالمه معنی‌دار بین والدین و کودکان را تسهیل کند و با افزایش توافق در مورد استانداردها و رفتار قابل‌قبول، تعارض را کاهش دهد (۳۳). همچنین بر نقش غیرمستقیم یا تعدیل‌کننده مذهبی بودن از طریق کاهش افسردگی شخصی (۳۴) و یا از طریق کاهش اثر آسیب‌زای تنیدگی مادرانه بر دلبستگی کودک تأکید شده است (۳۵).

در ادامه مطالب، راجع به نحوه اثرگذاری مذهب و معنویت به ذکر جمله‌ای از ساندرز و مازوچلی (۲۰۱۷) در بخشی از کتاب خود می‌پردازیم که: «مذهب ممکن است نقش معناداری در اهداف فرزندپروری، سبک‌ها و شیوه‌های والدین داشته باشد و برای کارکرد خانواده ضروری است. مذهب منبع بالقوه‌ای برای والدین بوده و می‌تواند به والدین کمک کند تا بهتر با شرایط چالش‌انگیز مواجه شوند». در ادامه این نویسندگان تصریح می‌کنند که «... یک قدم اساسی این است که بین انگیزش مذهبی والدین و رویکرد والدگری مثبت پل زده شود تا پذیرش و درگیری والدین در برنامه آموزش فرزندپروری بیشتر شده و باعث شکل‌دهی بهتر برنامه فرزندپروری مثبت شود».

در هنگام اجرای یک مداخله فرزندپروری متخصصین باید والدین را تشویق کنند تا ارتباط‌هایی بین معنویت، مذهب خود و اهداف برنامه را مشخص کنند. متخصصین باید برنامه‌های فرزندپروری را مناسب‌سازی کنند، تکالیف یادگیری که به والدین اجازه می‌دهد بین عقاید و ارزش‌های هسته‌ای لینک

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

برقرار کرده و عملکرد خود را در ارتباط بین این‌ها خودارزیابی کنند. برای متخصص ارزشمند است که اهمیت عقاید خانواده-هایی که دارد با آن‌ها کار می‌کند را درک کرده و فرصتی ویژه برای یافتن عقاید مذهبی هسته‌ای‌شان بگذارد و نیز دریابد چگونه این عقاید خودش را در اعمال فرزند پروری روزانه نشان می‌دهد (۳۰).

با توجه به مطالب ذکرشده در ادبیات و مستندات در مورد تأثیر معنویت و مذهب در سلامت روانی والدین و کودکان و معنویت کودکان و با توجه به اهمیت توجه به بعد اصیل انسان، در کنار روانشناسانی چون آدلری‌ها و هستی نگرانی مثل آلپورت و فرانکل (۲۸) در پژوهش حاضر انسان موجودی جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف شده و به بعد معنوی او که بعدی اصیل است توجه شده و از اصول نظری و عملی اقتباس شده از قرآن و روایات اسلامی در مورد ماهیت انسان، اصالت عقل، فضای ادراکی ۴ گانه شامل خود، هستی، مبدأ و معاد در آموزش مهارت‌های فرزندپروری گنجانده شده است. پژوهش حاضر با پیوند دادن دانش روان‌شناسی به ایمان والدین، همراه با فعال کردن نظام تشخیص‌گر ماهر درونی (عقل) آن‌ها، اثربخشی بسته فرزندپروری چندبعدی معنوی خداسو را بر خودکارآمدی، حرمت خود و خودمهارگری کودکان مورد آزمون قرار داده و نیز اثرات آن را با روش فرزندپروری مثبت مقایسه می‌کند.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع طرح شبه آزمایشی (پیش‌آزمون – پس‌آزمون با گروه کنترل) می‌باشد. جامعهٔ آماری همهٔ مادران دانش آموزان دختران و پسران ۸ تا ۱۱ ساله‌ای (پایه دوم تا پنجم) بودند که در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ در مدارس منطقه ۱۵ شهر تهران مشغول به تحصیل بودند.

نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد: ۱. در مرحله اول با توجه به محدودیت‌های محقق، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده‌شده و دو دبستان دخترانه و دو دبستان پسرانه در منطقه ۱۵ انتخاب گردید و درنهایت به علت عدم همکاری یکی از دبستان‌های دخترانه و پسرانه، پژوهش در یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه انجام گردید. ۲. در مرحله دوم نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انجام شد. ابتدا کلیه مادران دانش آموزان پایه دوم تا پنجم ابتدایی به مدرسه دعوت‌شده و ۱۲۴ نفر از آن‌ها با تکمیل آزمون تنیدگی والدینی در غربالگری اولیه شرکت کردند که نمرات تنیدگی والدینی ۶۴ نفر از آن‌ها بالاتر از نقطه برش بود و بعد از احراز معیارهای ورود به پژوهش می‌توانستند، وارد پژوهش شوند.

بعد از غربالگری اولیه، با توضیحات اجمالی در موردپژوهش، معرفی اجمالی دوره و دلیل انتخاب آن ها و معرفی مدرس، از واجدین شرایط برای شرکت در دوره دعوت به عمل آمد.۳۶ نفر از مادران فوق، ضمن داشتن معیارهای ورود به پژوهش (داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، نداشتن بیماری روانی عمده، داشتن اعتقاد به خداوند) نسبت به ورود به پژوهش نیز اعلام رضایت نمودند و سپس به‌صورت تصادفی در سه گروه ۱۲ نفره به ترتیب زیر جایگزین شدند: فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو، فرزندپروری مثبت و گروه کنترل.

برای کودکان این مادران، پرسشنامه‌های حرمت خود روزنبرگ (۳۶) خودکارآمدی کودکان (۳۷) و خود مهارگری کودکان (۳۸) به‌صورت مصاحبه‌ای تکمیل گردید.

سپس به گروه ۱ فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو (۱۲ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای)، به گروه ۲ برنامه آموزش فرزندپروری مثبت (۱۰ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای بر اساس پروتکل فرزندپروری ساندرز؛ ۱۹۹۲) به‌صورت هفتگی، آموزش داده شد و گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکردند.

لازم به ذکر است که تعداد بهینه نمونه که مدنظر محقق بود شرکت ۱۵ نفر در هر گروه بود که فقط ۱۲ نفر از مادرانی که واجد معیارهای ورود بودند اعلام رضایت به شرکت در پژوهش نمودند، از طرفی دیگر با توجه به اینکه معیار خروج از پژوهش، عدم شرکت بیش از ۳ جلسه در جلسات آموزشی بود، ۲ نفر از آزمودنی‌های گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو و ۲ نفر از آزمودنی‌های گروه فرزندپروری مثبت با توجه به غیبت بیش از ۳ جلسه در جلسات آموزش فرزندپروری، از گروه خارج شدند و ۲ نفر از گروه کنترل نیز به دلیل عدم همکاری در تکمیل پرسشنامه‌های پس‌آزمون یا پیگیری از مطالعه خارج شدند و درنهایت در هر یک از سه گروه، ۱۰ نفر باقی ماندند. بعد از دوره آموزشی، در پس‌آزمون پرسشنامه‌ها مجدداً برای فرزندان شرکت‌کنندگان در پژوهش به‌صورت مصاحبه اجرا شد. به‌منظور رعایت اصول اخلاقی در مطالعه برای گروه کنترل، ضمن دادن هدایا به مادران و فرزندانشان به جهت قدردانی از آنان به دلیل شرکت در پژوهش، به آن‌ها اعلام شد که در صورت تمایل بعد از اتمام پژوهش، می‌توانند در جلسات آموزشی فرزندپروری به‌صورت رایگان شرکت نمایند.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

مقیاس حرمت خود روزنبـرگ: ایـن مقیـاس توسـط روزنبرگ (۱۹۶۵) ساخته‌شـده و دارای ۱۰ عبـارت اسـت کـه ۵ عبارت آن بـه شـکل مثبـت و ۵ عبـارت...آن بـه شـکل منفـی ارائه‌شده است. دامنـه نمـرات از ۰ تـا ۳۰ اسـت و نمـره بیشـتر نشان‌دهنده عزت‌نفـس بـالاتر اسـت (۴۰) آقاجـانی و همکـاران (۱۳۹۱) مقادیر ضریب بازآزمایی برای کـل مقیـاس بـا فاصلـه زمانی یک، دو و سه هفته به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۷۳ و ۰/۷۸ و اعتبار پرسشنامه را با دو روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ و به روش بازآزمایی ۰/۷۸ گزارش کرد و روایی هم‌زمان این پرسشنامه نیز با پرسشـنامه حرمـت نفـس کـوپر اسـمیت (۱۹۶۷) برابـر ۰/۶۷ گـزارش شـد(۴۱)و همبسـتگی آن بـا اضـطراب (۰/۴۳-) و بـا افسردگی (۰/۵۴-)، همبستگی منفی معنادار بـه دسـت آمـد. در پژوهش دبیری و همکاران آلفای کرونباخ این مقیاس با ۳۱۰ نفر آزمودنی برابر با ۰/۷۵ بـه دسـت آمـد (۴۲). در پـژوهش حاضـر آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۷۰ به دست آمد.

پرسش‌نامه خود کارآمدی کودکان و نوجوانان: این پرسش‌نامه توسط بندورا (۱۹۹۶) و بر اساس پرسـش‌نامـه خـود کارآمدی بندورا (۴۳)تهیه‌شده است این مقیـاس شـامل ۲۳مـاده است که از سه خـرده آزمـون خـود کارآمـدی اجتمـاعی، خـود کارآمدی تحصیلی و خود کارآمدی هیجانی تشکیل شده است و توانایی آزمـودنی را در موقعیـت‌هـای مختلـف مـی‌سـنجد.خرده آزمون خـود کارآمـدی اجتمـاعی کـه شـامل هشـت مـاده اول پرسش‌نامه است توانمندی ایجاد ارتباط با همسالان، قاطعیـت و رسیدن بـه معیارهـای اجتمـاعی را مـی‌سـنجد . خـرده آزمـون خودکارآمدی تحصیلی شامل هشت ماده دوم پرسش‌نامه است و احساس توانمندی در مـدیریت رفتارهـای یـادگیری، تسـلط بـر موضوعات درسی و تحقق انتظـارات تحصـیلی را موردسـنجش قرار می‌دهد. خرده آزمون خود کارآمدی هیجـانی شـامل هفـت ماده آخر پرسش‌نامه است و احساس توانمندی فرد را در مقابلـه بـا هیجانـات منفـی و کنتـرل آن‌هـا مـی‌سـنجد. طـرز اجـراء و نمره‌گذاری آزمون بدین ترتیب اسـت کـه هـر مـاده در مقیـاس ۵نمره‌ای ارزیابی می‌شوند که عبارت‌اند از ۶اصـلاً الـی ۵بسـیار زیاد. در اجرای آن از آزمونی خواسته می‌شود هر یک از سئوالات آزمون را که در مورد توانایی او در انجام فعالیتی اسـت بـا دقـت بخواند و مطابق نظر خود نسبت بـه توانـایی خـود در انجـام آن موقعیت یکی از گزینه‌های اصلاً تا بسیار زیاد را انتخـاب نمایـد. سپس با جمع نمودن ارزش انتخـاب‌هـای هـر مـاده بـرای هـر آزمونی چهار نمره محاسبه می‌گردد کـه عبـارت‌انـد از نمـرات : خود کارآمدی اجتماعی، خود کارآمدی تحصیلی، خود کارآمدی هیجانی و خود کارآمدی کلی. دامنه نمـرات بـرای کارآمـدی از ۲۳الی۱۱۵،برای خـود کارآمـدی اجتمـاعی و تحصـیلی از ۸الـی ۴۰و بـرای خـود کارآمـدی هیجـانی از ۷الـی ۳۵مـی‌باشـد. پرسش‌نامه خود کارآمدی کودکان و نوجوانان ابزار باارزشی برای ارزیابی خود کارآمدی کودکان و نوجوانان است. پایایی آن خوب گزارش‌شده و ثبات درونی آن ۰/۸۰مـی‌باشـد. پایـایی ایـن سـه عامل ،۷۰/. پایایی خود کارآمدی اجتماعی ۰/۷۸و خود کارآمـدی هیجـانی ،۰/۸۰خـود کارآمـدی تحصـیلی ۰/۸۷ گـزارش‌شـده است(۳۷).در ایران نیـز بـرای محاسـبه پایـایی آزمـون، از روش آزمون –بازآزمون و محاسبه آلفای کرونبـاخ و ضـریب تنصـیف گـاتمن اسـتفاده شـد آلفـای کرونبـاخ خـود کارآمـدی عمـومی ،۰/۷۳خود کارآمدی اجتمـاعی ،۰/۶۶ خـود کارآمـدی تحصـیلی ۰/۷۳و خود کارآمدی هیجانی ۰/۸۴است. آلفـای بـه‌دسـت‌آمـده پایایی ایـن پرسشنامه را در حد قابل‌قبول نشان می‌دهد. ضـریب تنصیف گـاتمن نیـز در خـصـوص حیطه‌های مختلـف خـود کارآمـدی عبـارت‌انـد از خـود کارآمـدی عمـومی ،۵۳/۰خـود کارآمدی اجتمـاعی ،۷۳/۰ خود کارآمدی تحصیلی ۰/۶۴و خـود کارآمـدی هیجـانی ۰/۸۱ (۴۴). در پـژوهش حاضـر نیـز آلفـای کرونباخ این مقیاس ۰/۶۵ به دست آمد..

خودمهارگری کودکان: پرسشنامه خودمهارگری کودکان (۳۸) توسط جان بزرگی در سال ۱۳۸۳ تهیه‌شـده اسـت و دارای ۲۲ ماده می‌باشد که بـه‌صـورت مصـاحبه‌ای توسـط روانشـناس تکمیل می‌گردد. هرکدام از مواد پرسشـنامه از ۰ تـا ۳ در طیـف لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. پایین‌تـرین نمـره آن ۰ و بـالاترین نمره ۶۶ می‌باشد و نمرات بالاتر نشان‌دهنده میزان بـالاتر خـود مهارگری در کودک است. همسانی درونی این مقیاس با اجرا بـر روی ۱۳۱ نفـر از کودکـان معـادل ۰٫۸۸۹ بـه دسـت آمـد و در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ آن ۷۱/ به دست آمد.

شیوه اجرا

بسته آموزشی فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو.

برای تدوین پروتکل فرزندپروری چندبعدی معنوی، ابتدا با جستجو در آیات قرآنی از ابتدا تا انتها، سپس جستجو در احادیث و روایات معتبر موجـود در خصـوص موضـوعات فرزنـدپروری و کـودک، تمـامی آیـات، روایـات و احادیـث مـرتبط بـا موضـوع، کدگذاری شده و در مرحله بعد بـا توجـه بـه دانـش روانشناسـی

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

نویسندگان، جستجو در ادبیات پژوهشی و پیشینه نظری روان‌شناختی در خصوص موضوع، مطالب مرتبط با رویکرد معنوی به روانشناسی و نیز رویکردها، مقالات و کتاب‌های فرزندپروری، کدگذاری‌های مربوط به موضوع انجام شد. در گام بعد با استفاده از کدهای باز، محوری و هسته‌ای و الگو گیری از نظریه درمان چندبعدی معنوی (۲۸, ۳۹) پروتکل فرزندپروری معنوی در قالب مفاهیم اساسی دو مرحله اول این درمان (فعال کردن نظام تشخیص گر درونی) و مرحله دوم (حوزه مبدأ ادراک‌شده) به‌طور مستقیم (برای والدین) و غیرمستقیم (برای کودکان) طراحی و تنظیم شد.

روایی محتوایی پروتکل با استفاده از نسبت روایی محتوایی و شاخص روایی محتوایی موردبررسی قرار گرفت. به این منظور، فرمی تهیه شد و در آن موضوع مطالعه و اهداف توضیح داده شد، سپس از خبرگان خواسته شد تا هر فعالیت و تکنیک را بر اساس یک طیف سه‌قسمتی ازنظر ضرورت: ضروری؛ مفید اما غیرضروری؛ غیرضروری و نیز مرتبط بودن؛ مرتبط؛ مرتبط اما نیاز به بازبینی؛ نیاز به بازبینی جدی؛ غیر مرتبط بررسی کنند. سپس ۱۲ نفر از متخصصین روانشناس در حوزه معنویت، مذهب و کودک این بسته آموزشی را ارزشیابی کردند. سپس CVR با استفاده از فرمول مربوطه محاسبه گردید. بر اساس جدول لاوشه ملاک باقی ماندن فعالیت‌ها ۰/۵۶ در نظر گرفته شد؛ و نیز با توجه به مقدار قابل‌قبول بودن CVI (۰/۷۹) و مقادیر CVI CVR به‌دست‌آمده از ارزیابی متخصصین در این پژوهش، ۵ مورد از فعالیت‌ها و فنون آن نیاز به بازبینی داشت که بازبینی موردنظر اعمال گردید.

محتوای پروتکل فرزندپروری چندبعدی خداسو (GOSP).

جلسه اول: تکمیل پرسشنامه‌ها؛ برقراری ارتباط اولیه یا گرم کردن، بیان قوانین کارگاه تسهیل و تصریح هدف‌گذاری.

جلسه دوم: فعال‌سازی نظام تشخیص‌گر درونی والد و آشنایی به مکانیسم‌های آن؛ کاربرگ الگوهای رایج فرزندپروری؛ کاربرگ یک روز قدم زدن با عقل.

جلسه سوم: معرفی فرزندپروری چندبعدی معنوی فعال‌سازی عقل طبیعی در کودک، گزارش تمرین‌های جلسه قبل، کاربرگ فعال سازی و تحریک عقلانی کودک تحریک عقلانی به عنوان راهی برای حل مسئله موجود با کودک.

جلسه چهارم: اثبات خدا از طریق نظام تشخیص گر درونی؛ یافتن خدا پنداره‌ها؛ دریافت حمایت معنوی در فرزندپروری، فن جزیره، ادراک خدا داشتن در فرزند پروری، شناخت و کشف خدا پنداره‌ها، بهترین راه دستیابی به شناخت خدا آن‌گونه که واقعاً هست چیست؟

جلسه پنجم: خدا پنداشت با مفاهیم وحیانی در والدین، بازخورد توحیدی برای کودک، زمینه‌سازی بازخورد توحیدی در کودک از طریق خواندن داستان برای کودک.

جلسه ششم: دریافت حمایت معنوی در فرزندپروری، معنا دهی به فرزندپروری با حضور خدا، ادراک خالقیت خدا، ادراک ربوبیت خداوند، اتصال ربوبیت اعتباری والدین به ربوبیت حقیقی خدا، ویژگی‌های رب اصیل و غیر اصیل.

جلسه هفتم: کشف و آموختن قوانین تعبیه شده در سیستم روانی انسان و کودک؛ پاسخ‌دهی به نیازها به‌عنوان یک اصل مهم ربوبی منطق نقش پدری و مادری: لزوم داشتن دو نماینده در مراقبت از رشد کودک چیست؟ انجام تکنیک‌های پاسخ‌دهی به نیازهای وجودی و مراقبت از خود در منزل انجام مرزگذاری و قانون‌گذاری.

جلسه هشتم: مرور کلی تقویم رشدی کودک تا سن ۱۲ سالگی، بررسی خط تحول شناختی، تکالیف رشدی کودک در سن ۱۲ -۶ سالگی (عملیات عینی)، تقویم تحولی کودک و نقش والدین، خطوط مختلف تحول جسمی، شناختی، روانی اجتماعی، اخلاقی دوستی، رقابت و مشارکت، انجام بازی حفظ بادکنک، روزنامه با موسیقی، گره خوردگی دست‌ها ... بازی‌های مشارکتی در منزل، کاربرگ پاسخ دهی به نیازهای اجتماعی و مسائل اجتماعی کودکان.

جلسه نهم: افزایش کیفیت پرورش‌دهنده بودن در ارتباط با کودک (ایجاد احساس شایستگی و توانمندی، رشد اخلاقی)، شایستگی مهم ترین وظیفه تحولی سن دبستان تحقق عمل مسیری برای احساس شایستگی، نکات کاربردی در دادن احساس توانمندی، زمینه رشد اخلاقی: (خلق حسن)، تمرین زمینه سازی ایجاد رشد اخلاقی بر اساس تکنیک های مربوطه، ایجاد موقعیت‌های تحقق عمل در منزل.

جلسه دهم: افزایش خودمهارگری در والد، دوباره متولد کردن کودک از وجود روانی مادر، تمهید عبودیت در کودک تمرین مکانیسم و چگونگی تأثیرپذیری سیستم روانی کودک از والدین، لزوم خودکنترلی در والد، لزوم داشتن الگو، چالش

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

مرزگذاری برای کودک، چالش تغییر از حالت دماسنج به حالت ترموستات در والدین، کاربرگ تمرین مکالمه با کودک.

جلسه یازدهم: آگاه کردن والدین به مفهوم ولایت/تعهد به راهنمای معتبر/خدا، تقویت تعهد کودک به والدین به عنوان راهنمای معتبر، کاربرگ راه‌های افزایش تعهد کودکان به راهنمای معتبر، تکمیل مجدد پرسشنامه شخصی مربوط به اهداف.

جلسه دوازدهم: مرور مباحث جلسات قبل، پرداختن به سؤالات والدین (مسائل جنسی، روابط خواهر و برادرها و مدیریت رسانه). تکمیل پرسشنامه‌ها. جشن پایان دوره.

برنامه آموزش مهارت‌های فرزندپروری مثبت. در این پژوهش برای آموزش برنامه فرزندپروری مثبت از کتاب «برای همه پدر و مادرها» تألیف متیو ساندرز (۱۹۹۲) استفاده‌شده است؛ که در طی ۱۰ جلسه ۲ ساعته به آموزش والدین و تمرین تکنیک‌های مرتبط با این برنامه پرداخته می‌شود.

جلسه اول: بررسی اولیه مادران و کودکان، معارفه، تسهیل و تصریح هدف‌گذاری، دادن تمرین منزل، تکمیل پرسشنامه‌ها، بیان قوانین کارگاه.

جلسه دوم: آشنایی با اصول، مفاهیم اصلی فرزندپروری مثبت، اصول فرزندپروری مثبت (محیط امن، داشتن توقعات واقعی، مراقبت از خود به‌عنوان والد) و اهداف فرزندپروری مثبت، مشاهده رفتارهای مطلوب.

جلسه سوم: افزایش بینش والدین نسبت به انواع مشکلات رفتاری کودکان و علل آن، گستره مشکلات کودکان/چالش‌های تربیت کودکان، مشکلات رایج در تربیت کودکان، جدول توصیف رفتاری.

جلسه چهارم: اعتقادات غلط در فرزندپروری/ دام هایی که والدین در آن گرفتار می‌شوند، راه‌ها و تکنیک‌های برقراری ارتباط مثبت با کودکان اصلاح نگرش های غلط در فرزند پروری بهبود ارتباط والد کودک، تمرین مهارت‌های ارتباط مؤثر با کودکان در منزل.

جلسه پنجم: افزایش رفتارهای مطلوب کودکان، راه‌های تقویت رفتارهای مطلوب کودکان: زمانی خاص و پرمحتوا، آگاه کردن از رفتار مطلوب، الگوسازی، فعالیت های سرگرم کننده، تمرین تکنیک‌های تقویت رفتارهای مطلوب کودکان در منزل.

جلسه ششم: کاهش رفتارهای نامطلوب آشنایی با اصول قانون‌گذاری، آشنایی با پیامدهای منطقی و طبیعی رفتار نامطلوب، شیوه های جلوگیری از رفتار نامطلوب دستورالعمل قانون‌گذاری، استفاده از قانون‌گذاری برای آن دسته از مشکلاتی که ناشی از نقص در قانون‌گذاری است.

جلسه هفتم: کاهش رفتارهای نامطلوب. آشنایی با روش کارآمد مقابله با برخی از رفتارهای نامطلوب، مرور برخی رفتارهای ناموثر در مورد رفتارهای نامطلوب راه های جلوگیری از رفتار نامطلوب: زمان سکوت (تا ۹ سال)، محرومیت (تا ۱۰ سال).

جلسه هشتم: آموزش نحوه دستور دادن صحیح، انواع دستورات (آغازکننده و پایان دهنده) مشکلات دستور دادن بیش‌ازحد دستور دادن کمتر از حد لازم دستور دادن.

جلسه نهم: آشنایی با مسائل کودکان دبستانی، آشنایی با انواع والدین، شناخت و مدیریت موقعیت‌های دشوار، مسائل کودکان دبستانی: (عدم تبعیت از قوانین مدرسه، مسائل مربوط به تکالیف درسی و ...) و راه های مقابله با آن، مسئولیت دادن در امور خانه به کودکان دبستانی و روش های انجام آن بعضی دلایل عدم موفقیت والدین روش‌های پیشگیری از موقعیت‌های دشوار.

جلسه دهم، جلسه پایانی: مرور مباحث جلسات قبل، پرداختن به سؤالات والدین (مسائل جنسی، روابط خواهر و برادرها، مدیریت رسانه) تکمیل پرسشنامه‌ها، جشن پایان دوره.

یافته‌ها

در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار سن آزمودنی‌های سه گروه ارائه‌شده است. با توجه به نتایج جدول ۱ میانگین سنی نمونه موردمطالعه در گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو، فرزندپروری مثبت و کنترل به ترتیب ۹/۰۰، ۱۰/۰۰ و ۹/۳۰ می‌باشد که بر اساس مقایسه میانگین‌ها (آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه) تفاوت معناداری بین سه گروه در میانگین سن مشاهده نشد.

در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار نمرات مربوط به متغیرهای پژوهش شامل حرمت خود، زیرمقیاس‌های خودکارآمدی (اجتماعی، تحصیلی، هیجانی) و خود مهارگری در هر دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای سه گروه اندازه‌گیری و ارائه شده است.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار سن آزمودنی‌های گروه‌ها

متغیر	گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو (n=۱۰)		گروه فرزندپروری مثبت (n=۱۰)		گروه کنترل (n=۱۰)	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سن	۹/۰۰	۰/۹۴	۱۰/۰۰	۱/۰۵	۹/۳۰	۰/۹۴

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات حرمت خود، خودکارآمدی و خود مهارگری به تفکیک گروه‌ها

متغیر		مراحل	گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو		گروه فرزندپروری مثبت		گروه کنترل	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
حرمت خود		پیش‌آزمون	۱۴/۳۵	۶/۴۹	۱۷/۱۰	۳/۵۴	۱۸/۷۰	۳/۵۶
		پس‌آزمون	۲۷/۱۰	۲/۹۹	۱۹/۲۰	۳/۶۷	۱۷/۷۰	۳/۰۵
خودکارآمدی	اجتماعی	پیش‌آزمون	۲۶/۰۰	۷/۵۱	۲۴/۵۰	۴/۹۰	۲۹/۶۰	۴/۲۷
		پس‌آزمون	۲۹/۷۰	۵/۲۵	۲۷/۵۰	۴/۹۲	۲۶/۸۰	۴/۱۰
	تحصیلی	پیش‌آزمون	۲۸/۶۰	۶/۲۰	۲۹/۷۰	۴/۶۹	۳۵/۸۰	۲/۳۴
		پس‌آزمون	۳۴/۸۰	۲/۷۴	۳۲/۳۰	۴/۵۷	۳۰/۴۰	۴/۱۴
	هیجانی	پیش‌آزمون	۲۱/۰۰	۷/۱۶	۲۵/۴۰	۸/۶۶	۲۷/۱۰	۷/۱۴
		پس‌آزمون	۲۶/۳۰	۶/۲۱	۲۶/۲۰	۸/۱۰	۲۲/۸۰	۳/۷۹
خود مهارگری		پیش‌آزمون	۳۱/۲۰	۴/۴۱	۳۲/۸۰	۷/۳۴	۳۴/۱۰	۸/۵۴
		پس‌آزمون	۵۱/۲۰	۵/۵۳	۳۲/۴۰	۶/۹۳	۳۳/۴۰	۷/۳۹

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری مربوط به نمرات حرمت خود

منبع تغییرات	SS	df	MS	مقدار F	*P*	اندازه اثر
پیش‌آزمون	۴۷/۶۳	۱	۴۷/۶۳	۵/۱۸	۰/۰۳	۰/۱۶
گروه	۵۵۴/۶۱	۲	۲۷۷/۳۰	۳۰/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۶۹
خطا	۲۳۸/۹۶	۲۶	۹/۱۹			
کل	۷۹۶/۶۶	۲۹				

برای مقایسه گروه‌ها و تعیین معناداری تفاوت میانگین گروه‌ها در متغیرهای پژوهش، از آزمون پارامتریک تحلیل کوواریانس یک متغیری و چندمتغیری استفاده شد؛ اما پیش از استفاده از این آزمون‌ها، برای بررسی پیش‌فرض همگنی ماتریس‌های واریانس کوواریانس برای آزمون کوواریانس چندمتغیره نتایج آزمون باکس و برای بررسی پیش‌فرض برابری واریانس‌ها در آزمون کوواریانس تک متغیره نتایج آزمون لوین بررسی شد. بر اساس مقدار آزمون باکس و معناداری آن، شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/ کوواریانس برای آزمون کواریانس چندمتغیره در مورد متغیر خودکارآمدی برقرار می‌باشد ($p>۰/۰۵$)؛ بنابراین در تحلیل مربوط به زیرمقیاس‌های خودکارآمدی، نتایج لامبدای ویلکز برای بررسی معناداری اثرهای چندمتغیری گزارش می‌گردد. همچنین نتایج آزمون لوین نیز نشان داد مفروضه برابری واریانس‌ها برای آزمون کواریانس تک متغیره در مورد متغیر حرمت خود و خود مهارگری رعایت شده است ($p>۰/۰۵$)؛ بنابراین مانعی برای اجرای آزمون کواریانس تک متغیره وجود ندارد.

نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیری به‌منظور مقایسه دو گروه در نمرات حرمت خود در جدول ۳ نشان می‌دهد با کنترل نمرات پیش‌آزمون، اثر گروه بر نمرات پس‌آزمون حرمت خود معنادار می‌باشد ($p<۰/۰۰۱$). به‌عبارت‌دیگر، بین آزمودنی‌های سه گروه در میانگین نمرات حرمت خود در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. به دلیل معناداری تفاوت بین گروه‌ها و جهت مقایسه زوجی گروه‌ها از آزمون بنفرونی استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد میانگین نمرات حرمت خود برای گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی به‌طور معناداری از گروه فرزندپروری مثبت و گروه کنترل بیشتر است ($p<۰/۰۰۱$).

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

این در حالی بود که بین دو گروه فرزندپروری مثبت و گروه کنترل تفاوت معناداری به دست نیامد ($p>۰/۰۵$).

جدول ٤. تحلیل کوواریانس چندمتغیری مربوط به زیرمقیاس‌های خودکارآمدی

متغیرهای وابسته	SS	df	MS	F	*P*	مجذور اتا
خودکارآمدی اجتماعی	۱۰۶/۷۶	۲	۵۳/۳۸	۲/۴۳	۰/۱۰	۰/۱۶
خودکارآمدی تحصیلی	۲۰۰/۸۲	۲	۱۰۰/۴۱	۹/۰۹	۰/۰۰۱	۰/۴۳
خودکارآمدی هیجانی	۲۳۹/۱۸	۲	۱۱۹/۵۹	۴/۰۸	۰/۰۳	۰/۲۵

نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری مربوط به زیرمقیاس‌های خودکارآمدی نشان داد با کنترل اثر نمرات پیش‌آزمون، بین سه گروه در متغیر جدیدی که از ترکیب خطی نمرات پس‌آزمون زیرمقیاس‌های خودکارآمدی به‌عنوان متغیرهای وابسته حاصل شده، تفاوت معناداری وجود دارد (۰/۵۱ =لامبدای ویلکز، $p=۰/۰۱$,۲/۹۱ =$F_{(۶,۴۴)}$). جهت مقایسه گروه‌ها در هر یک از زیرمقیاس‌های خودکارآمدی، نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، بین میانگین نمرات گروه‌ها در زیرمقیاس خودکارآمدی تحصیلی ($F=۹/۰۹,P<۰/۰۰۱$) و خودکارآمدی هیجانی ($F=۴/۰۸,P<۰/۰۵$) تفاوت معناداری وجود دارد. در مورد خودکارآمدی تحصیلی، مقایسه زوجی گروه‌ها با استفاده از آزمون تعقیبی بنفرونی نشان داد میانگین نمرات این متغیر در هر دو گروه آزمایش یعنی فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو و فرزندپروری مثبت به‌طور معناداری از گروه کنترل بیشتر بوده است. درحالی‌که بین دو گروه آزمایش تفاوت معناداری به دست نیامد. در مورد خودکارآمدی هیجانی نیز نتایج آزمون بنفرونی نشان داد فقط بین گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی و گروه کنترل تفاوت معنادار بود که این تفاوت معنادار هم به نفع گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی بود.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری مربوط به نمرات خود مهارگری

منبع تغییرات	SS	df	MS	F	*P*	اندازه اثر
پیش‌آزمون	۹۰۳/۰۲	۱	۹۰۳/۰۲	۷۸/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۷۵
گروه	۲۶۴۲/۷۰	۲	۱۳۲۱/۳۵	۱۱۵/۵۲	۰/۰۰۱	۰/۸۹
خطا	۲۹۷/۳۷	۲۶	۱۱/۴۳			
کل	۳۴۳۸/۰۰	۲۹				

نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیری به‌منظور مقایسه دو گروه در نمرات خود مهارگری در جدول ۵ نشان می‌دهد با کنترل نمرات پیش‌آزمون، اثر گروه بر نمرات پس‌آزمون خود مهارگری معنادار می‌باشد ($F=۱۱۵/۵۲,p<۰/۰۰۱$). به‌عبارت‌دیگر، بین آزمودنی‌های سه گروه در میانگین نمرات خود مهارگری در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آزمون بنفرونی جهت مقایسه زوجی گروه‌ها نشان داد میانگین نمرات خود مهارگری برای گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی به‌طور معناداری از گروه فرزندپروری مثبت و گروه کنترل بیشتر است ($P<۰/۰۰۱$). این در حالی بود که بین دو گروه فرزندپروری مثبت و گروه کنترل تفاوت معناداری به دست نیامد ($P>۰/۰۵$). به‌طور خلاصه یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین نمرات دانش آموزان در گروه GOSP در حرمت خود و خود مهارگری به‌طور معناداری از گروه TRIPLE P و کنترل بیشتر است. خودکارآمدی هیجانی در گروه GOSP به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل و میانگین نمرات خودکارآمدی تحصیلی در هر دو گروه آزمایش به‌طور معناداری از گروه کنترل بیشتر بود. بین حرمت خود و خود مهارگری کودکان در دو گروه TRIPLE P و گروه کنترل تفاوت معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مقایسه اثربخشی فرزندپروری چندبعدی معنوی خداسو و فرزندپروری مثبت بر حرمت خود، خودکارآمدی و خود مهارگری کودکان دارای والدین پراسترس انجام شد.

نتایج پژوهش نشان داد میانگین نمرات حرمت خود برای گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی به‌طور معناداری از گروه

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

فرزندپروری مثبت و گروه کنترل بیشتر است. این یافته با یافته‌های جان بزرگی و غروی (۴۵)؛ دیکی و همکاران (۴۶)؛ برگوتسکی و الیسون (۴۷)، ماهونی و همکاران (۴۸)؛ ویلکوکس (۴۹)؛ کاویانی و همکاران (۵۰) همسو است. بر اساس نظریات مختلف روانشناسی و پژوهش‌های مختلف، والدین تربیت‌کننده بر حرمت خود و مفاهیم خود کودکان اثر دارند (۴۶) و آموزش مهارت فرزندپروری از طریق تغییر سبک فرزندپروری بر حرمت خود تأثیر می‌گذارد(۵۰). یافته دیگر این پژوهش در مورد حرمت خود کودکان این بود که بین دو گروه فرزندپروری مثبت و گروه کنترل تفاوت معناداری به دست نیامد، این یافته با پژوهش‌های (۵۱)، ناهمسو می‌باشد که با استناد به پژوهش کاتر و همکاران که برنامه‌های روان‌شناختی با در نظر گرفتن مطابقت‌های فرهنگی، برای شرکت‌کنندگان مؤثرتر خواهند بود(۲۴) قابل تبیین است ؛ ولی این یافته با پژوهش کاویانی و همکاران ۱۳۹۸ همسو می‌باشد. کاویانی و همکاران در پژوهش خود با الگوی تحلیل مسیر دریافتند که هرچند سبک فرزندپروری عامل مهمی در تربیت کودکان است، اما خود این متغیر تا حد زیادی متأثر از پایبندی مذهبی است؛ بدین معنا که پایبندی مذهبی سبک مقتدرانه را تقویت کرده و آن به‌نوبه خود بر حرمت خود کودکان اثر گذاشته است، زیرا در الگوی تحلیل مسیر آن‌ها، اثر پایبندی مذهبی بر حرمت خود مستقیم بوده است و اثر سبک فرزندپروری غیرمستقیم؛ پایبندی مذهبیمادران، حرمت خود فرزندان را افزایش داده و دوسوگرایی مذهبی و ناپایبندی مذهبی مادران آن را کاهش داده است.

در پژوهش حاضر نیز با نگاهی به داده‌های حرمت خود فرزندان در پیش‌آزمون و پس‌آزمون متوجه می‌شویم که هرچند آموزش مهارت‌های فرزندپروری باعث افزایش میزان حرمت خود در گروه فرزندپروری مثبت نیز گردیده است، ولی این اثر در گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی در مقایسه با فرزندپروری مثبت، بیشتر و نیز معنادار است. پس می‌توان گفت ارتباط با مفاهیم معنویت خدا سو در فرزندپروری چندبعدی معنوی خداسو و مفاهیم معنوی مذهبی چون نقش‌های جنسیتی (پدر و مادر) افزایش پذیرش مادران نسبت به نقش حقیقی خود (۵۲, ۵۳)، تقدیس والدینی و ...باعث تقویت اثر آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر مادران شده است و حرمت خود را که از مهم‌ترین سرمایه‌های انسان برای تنظیم هیجانی، سازگاری رفتاری و پیشبرد اهداف زندگی است افزایش داده است(۵۰).

پژوهش حاضر، از فرصت موجود در مذهب/ معنویت خدا سو برای مدل‌سازی و تعمیق درک والدین از عشق، صبر و تعهد خدا (۵۴) استفاده کرده است. عشقی که وقتی کودکان آن را در یک ارتباط پایدار با والدین خود تجربه می‌کنند، مثال و مصداقی از عشق خداوند است(۳۱)و می‌تواند زمینه‌های مطلوبی برای تحول حرمت خود در کودکان باشد. (۲۸)

بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین نمرات خود مهارگری برای گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی به‌طور معناداری از گروه فرزندپروری مثبت و گروه کنترل بیشتر است. این یافته با حسینی و همکاران (۵۵)؛ دیویس و داودلی (۵۶)، الیفسان، پیترسون و هداوی (۵۷)، برادی، استونمن و فلور (۵۸) و ایکس یو (۵۳)؛ هاوکینز و همکاران (۵۲) ماهونی و همکاران (۴۸)؛ کیم اسپون و همکاران (۵۹)؛ لیرد و همکاران (۶۰)؛ بارتگوسکی، ایکس یو و لوین (۶۱)؛ بور، مارکز و دی (۶۲)؛ کیم اسپون و همکاران (۵۹) هم سو است و در ابتدا با یافته آننور، کالن و آگ نیو (۶۳) ناهمسو به نظر می‌رسد. این محققان، اظهار داشته‌اند که برخی از والدین مذهبی سخت/ رادیکال به‌واسطه تأکید زیاد بر اطاعت و آموزش کودکان به اطاعت از قدرت و نیز استفاده از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند ضررهایی را متوجه کودکانشان می‌سازند به‌عنوان‌مثال شانس آن‌ها برای خودکنترلی را تضعیف کرده و یا ظرفیت‌های تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد(۶۳).پژوهشگران طی بررسی‌های گسترده در داده‌های مرتبط با اثر مذهبی بودن والدین بر تحول کودکان به این نتیجه رسیدند که مذهب می‌تواند به‌عنوان تیغ دو لبه عمل کند و به تعبیر بارتگوسکی و همکاران(۲۰۰۸) (۶۱): "مذهب می‌تواند به‌مثابه پلی باشد که بین نسل‌ها و کودکان اتصال برقرار کند و یا به‌مثابه گوه/قلمی که تعارض و جدایی را تقویت کرده و درنتیجه تحول کودکان را تضعیف کند(۶۱). از همین رو محققان پژوهش حاضر با آگاهی از این واقعیت که در تربیت ، لزوم تعادل بین پاسخ‌دهی و کنترل در کنار به رسمیت شناختن نظام تشخیص گر درونی کودک و ایمان به مقدس بودن نقش خود توسط والدین ، عمل فرزندپروری را از یک وظیفه تنش‌زا به یک عمل مقدس توأم با آگاهی تبدیل می‌کند، بسته فرزندپروری چندبعدی معنوی را با پیش‌فرض‌ها و اصول خاص خود، تنظیم کردند و به‌جای آموزش رفتارها و تکنیک‌هایی که بر کنترل بیرونی بیشتر تأکید می‌کنند ، با ارتباط و کنترل درونی به‌جای کنترل بیرونی، وضع قوانین و پیامدهای طبیعی ، فعال کردن نظام تشخیص گر درونی، انگیزش والدین برای عمل

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

کردن مقتدرانه(گرمی ضرب‌در قاطعیت) در جهت انجام امر مقدس فرزندپروری و ... از استعداد موجود در معنویت خدا سو در جهت ارتقاء خودمهارگری کودکان سود جسته‌اند.

در ادامه تبیین اثربخشی معنویت خدا سو بر مؤلفه‌های تحول کودکان و از آن جمله خود مهارگری، باید گفت که مذهب والدین، درونی سازی مهارت‌های مقابله روان‌شناختی و توانمندی‌های روان‌شناختی را تسهیل می‌کند. درواقع نرم‌های معنوی خدا سو سرمایه‌گذاری والدین روی کودکان را ترغیب می‌کند و یک سیستم معنایی فراهم می‌کند که روابط خانوادگی را با معنای خاصی به نام «تقدیس» غنا می‌بخشد.

مسیر دیگر برای تبیین اثربخشی فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو بر مؤلفه خودمهارگری، با استنباط از نظریه گات فردسون و هیرشچی این است که جهت تقویت خود مهارگری، والدین و بزرگسالان باید به کودکان بیاموزند که قوانین و اصول جامعه را طوری درونی سازی کنند که بتوانند طیف کاملی از پیامدهای رفتارهای خود را در نظر بگیرند. نتیجه عدم چنین فرایندی در سال‌های بعد نوجوانانی خواهد بود که پاداش‌های کوچک‌تر و سریع‌تر را به پاداش‌های دیرتر و بزرگ‌تر ترجیح بدهند و به‌عنوان‌مثال درگیر سوءمصرف مواد شوند(۶۴).

یافته دیگر پژوهش مبنی بر اینکه بین دو گروه فرزندپروری مثبت و گروه کنترل تفاوت معناداری وجود ندارد. با پژوهش منشادی، غلامرضایی و غضنفری (۶۵) همسو است. بر اساس یافته آن‌ها، مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر خودکارآمدی والدگری تأثیر دارد، اما بر مشکلات رفتاری کودکان تأثیری ندارد. اینکه چطور میزان مذهبی بودن والدین بر خودمهارگری کودکان اثر مثبت دارد یا اینکه چطور فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو نسبت به فرزندپروری مثبت یا عدم آموزش، باعث ایجاد خودمهارگری بیشتری در کودکان شده است به این صورت قابل تبیین است که والدین مذهبی با وارد شدن / درگیری بیشتر در تحول توانایی خودتنظیمی کودکان، در فرایند تحول خودمهارگری کودکان مؤثرترند. پژوهش‌ها پیشنهاد می‌کنند که سطوح مانیتورینگ (نظارت) بیشتر والدین — تا اندازه‌ای که والدین از دوستان و فعالیت‌های کودکان آگاه باشند — و یا به‌عبارت‌دیگر بدانند که کودک کجاست و چه‌کاری دارد انجام می‌دهد، با سطوح بالاتر خودمهارگری در کودکان مرتبط است(۵۸, ۶۱, ۶۶). این آگاهی به والدین کمک می‌کند که در کنار نظارت بر کودک از نیازهای او نیز آگاه‌تر بوده و پاسخ‌دهی مناسبی به آن نیازها داشته باشد (۶۷)در صورت تحول بهینه خود مهارگری ، نتیجه آن در دوران نوجوانی این است که نوجوان ایمان بالایی به " مانیتور شدن" توسط خدا خواهد داشت. چیزی که محققان از آن به‌عنوان "نظارت ماوراء طبیعی" یاد می‌کنند و این ایمان و اعتقاد ، باعث افزایش رفتارهای اجتماع‌محور، و صداقت و همکاری در اجتماع خواهد شد.(۵۹, ۶۸).

همچنان که قرآن کریم فرموده «وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» انسان سخت دوست دار خیر است (عادیات آیه ۸) و چون به حد بلوغ و رشد رسید، به دستگاهی دیگر مجهز می‌شود و آن عبارت است از عقل که با آن حقایق امور را آن‌طور که هست درک می‌کند، اعتقاد حق و عمل خیر را تشخیص می‌دهد، آن‌وقت است که حرص شدید در ایام کودکی‌اش که او را در هنگام برخورد با شر به جزع درمی‌آورد و در هنگام رسیدن به خیر از بذل خیر جلوگیرش می‌شد، مبدل به حرصی دیگر می‌شود و آن حرص شدید به خیر واقعی و فزع شدید از شر اخروی است و با در نظر گرفتن اینکه خیر واقعی عبارت است از مسابقه به‌سوی مغفرت پروردگار و شر واقعی عبارت است از نافرمانی خدای تعالی؛ درنتیجه چنین کسی از کار خیر سیر نمی‌شود و پیرامون گناه نمی‌گردد، اما نسبت به شر و خیر دنیوی حرصی نمی‌ورزد و از حدودی که خداوند برایش معین کرده است تجاوز نمی‌کند و در هنگام برخورد با گناه حرص خود را با فضیلت صبر کنترل می‌کند (۶۹).

در مورد خودکارآمدی تحصیلی میانگین نمرات این متغیر در هر دو گروه آزمایش یعنی فرزندپروری چندبعدی معنوی خدا سو و فرزندپروری مثبت به‌طور معناداری از گروه کنترل بیشتر بوده است. درحالی‌که بین دو گروه آزمایش تفاوت معناداری به دست نیامد. این یافته با نتایج پژوهش محرری و همکاران (۷۰)؛ ملک‌زاده و همکاران (۷۱)؛ میرزابیگی (۷۲)؛ توکر و همکاران (۱۳)؛ تتی و گلفاند (۷۳) همسو می‌باشد. آن نوع از روش تربیت فرزند که هم‌زمان ساختار و خودمختاری متناسب با سن را برای کودک فراهم می‌کند، کلیدی برای تحول موفق و سالم کودکان و نوجوانان در محدوده‌های مختلف است. طبق تئوری خودمختاری، والدین گرم و حمایت‌کننده و دارای ساختار والدینی، سه نیاز عمده کودکان و نوجوانانشان را برآورده می‌کنند: ارتباط، خودمختاری و شایستگی (احساس تسلط و خودکارآمدی یکی از مؤلفه‌های این احساس تسلط و شایستگی است).(۷۴)

توقع والدین مقتدر با توانایی فرزندان در پذیرفتن رفتارهای خویش متناسب است. ازاین‌رو این‌گونه والدین کودکان

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

را متقاعد می‌کنند که افراد باکفایتی هستند و می‌توانند در کارها موفق شوند و این برخورد موجب رفتار پخته و مستقل و افزایش سطح خود کارآمدی می‌شود. ادراک رفتارهای والدین توسط کودکان می‌توانند زمینه را برای ارزیابی‌های منعکس‌شده که در رشد و نمو خود هستند، ایجاد کنند (۷۵). بندورا (۷۶)استدلال می‌کند که یکی از راه‌های تقویت اعتقادات مربوط به اثربخشی کودکان ، اقناع اجتماعی است. به‌طور خاص ، هنگامی‌که والدین رفتاری را انجام می‌دهند که اعتمادبه‌نفس در توانایی‌های فرزندان خود را افزایش می‌دهد ، فرزندان آن‌ها انرژی بیشتری برای موفقیت و حفظ این تلاش اعمال می‌کنند. برعکس ، وقتی والدین اعتمادبه‌نفس کودکان خود را در توانایی‌های خود تضعیف می‌کنند ، در این صورت کودکان باورها و رفتارهای کم اثرتری را اتخاذ می‌کنند.

در مورد خودکارآمدی اجتماعی تفاوت معناداری بین سه گروه آزمایشی و کنترل مشاهده نشد. این یافته با یافته‌های لیدی، گورا و تورو (۷۷)، اختر، مالک و بگیر (۷۸)؛ جیون و نپل (۷۹)؛ ملک زاده و همکاران (۷۱)؛ میرزابیگی (۷۲)؛ توکر و همکاران (۱۳)؛ تتی و گلفاند (۷۳) ناهمسو می‌باشد. در مورد خودکارآمدی هیجانی نیز فقط بین گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی و گروه کنترل تفاوت معنادار بود که این تفاوت معنادار هم به نفع گروه فرزندپروری چندبعدی معنوی بود. این یافته با یافته‌های ملک‌زاده و همکاران (۷۱)؛ میرزابیگی (۷۲)؛ توکر و همکاران (۱۳)؛ تتی و گلفاند (۷۳) همسو می‌باشد. یکی از راه‌های تبیین این یافته این است که یکی از روش‌های اثرگذاری والدین بر کودکان کنترل روان‌شناختی است که عبارت است از تلاش والدین برای اعمال قدرت بر کودک از طریق تکنیک‌های دستکاری مثل دریغ کردن محبت یا القاء احساس گناه (۸۰). این رفتارهای کنترل‌کننده تخریب‌گر می‌تواند تصاویر منفی مثل احساس بی‌ارزشی یا بی‌کفایتی در کودک ایجاد کند که منجر به این می‌شود که کودک در اثر احساس بی‌کفایتی و عدم شایستگی، خودکارآمدی پایینی را تجربه کند (۸۱). از این دیدگاه انتظار می‌رود که مادران به‌عنوان منبع اصلی گرما و محبت باشند. آموزش مهارت‌های فرزندپروری چندبعدی معنوی با ایجاد ارتباط با مادران در سطح عمیق‌تر روان‌شناختی و با دادن بینش در مورد اثرات این کنترل‌ها و دست‌کاری‌های روان‌شناختی کودکان توسط والدین و یادگیری استفاده از روش‌های کارآمد در ارتباط با کودکان به‌جای کنترل روان‌شناختی (قهر، ایجاد احساس گناه و.) باعث ایجاد تفکرات مثبت نسبت به خود در کودکان و تغییر خودارزیابی راجع به میزان اثربخش بودن خود در مواقع هیجانی و درنتیجه افزایش خودکارآمدی هیجانی شده است.

در انتها خاطرنشان می‌شود که پژوهش حاضر همسو با پژوهش‌های اخیر نشان داد که مذهبی بودن بیشتر والد با فرزندپروری مؤثرتر، برآیندهای مثبت بیشتر در کودکان و نوجوانان، مسائل رفتاری کمتر و سازگاری بهتر کودک و رگه-های رفتار اجتماعی بیشتر همراه است (۴۸)، (۸۲)، (۵۶)، (۵۷). این کودکان بیشتر احتمال دارد که در نوجوانی از سطوح بالاتر بهزیستی روان‌شناختی برخوردار باشند (۵۸) تمرین‌های مذهبی با والدین طیف وسیعی از نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی نوجوانان و بزرگسالان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث تقویت همسازی و وظیفه‌شناسی در فرزندان می‌شود و نوعاً والدین را تشویق می‌کند که ویژگی‌های مثبت را در کودکان خود پرورش دهند ویژگی‌هایی شامل حرمت خود، خودکارآمدی، رفتار و هویت خیرخواهانه، احترام و تبعیت از چهره‌های قدرت، خودمهارگری، مقاومت نسبت به رفتارهای ضداجتماعی، ارتباط و اتصال هیجانی و معنوی با خود، دیگران و خداوند (۸۳)، (۵۳)، (۵۹)، (۸۴)، (۵۰).

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته روانشناسی با شماره تأییدیه ۹۸/۱۵۶۸۶۹۱ از معاونت پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه پیام نور تهران است و این مقاله بدون حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه انجام شده است. نویسندگان مقاله هیچ گونه تضاد منافعی درباره این پژوهش گزارش نکرده‌اند.

از والدین، دانش آموزان و کارکنان محترم پیش‌دبستانی و دبستان شهدای کارگر که با صبر و شکیبایی شرایط اجرای این پژوهش را فراهم نمودند تشکر می‌شود.

References

1. Anbari k, Mahdavian a, Nadri s. Predictive factors of mother-child communication patterns in the mothers referred to Khorramabad Shahid Madani hospital in 2012. Yafteh. 2014;15(5):13-22.
2. Abidin RR. Parenting Stress Index (PSI): Pediatric Psychology Press Charlottesville, VA; 1990.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

3. Richards PS, Bergin AE. The Need for a Theistic Spiritual Strategy. 2005.
4. Rogers CR. A theory of therapy, personality, and interpersonal relationships: As developed in the client-centered framework: McGraw-Hill New York; 1959.
5. Baezat F, Pour BSS. The comparison of self-esteem factors among students with dyslexia and normal students in third to fifth grades of primary schools of Tehran. Psychological studies 2009;4(4):65-80.
6. Mogonea F-R, Mogonea F. The role of the family in building adolescents' self-esteem. Procedia-Social and Behavioral Sciences. 2014;127:189-93.
7. Carlson, S. M, Zelazo, P. D, & Faja, S. (2013). Executive function. In P. D. Zelazo (Ed.), Oxford library of psychology. The Oxford handbook of developmental psychology (Vol. 1): Body and mind (p. 706–743). Oxford University Press.
8. Tehrani HD, Yamini S. Parenting practices, self-control and anti-social behaviors: Meta-analytic structural equation modeling. Journal of Criminal Justice. 2020;68:101687.
9. Schultz D. Translated by Seyed Karimi Y, et, Tenth edition. Theories of personality, (first edi.), 10 ed. Tehran: Arasbaran Publication; 2012.
10. Benight CC, Bandura A. Social cognitive theory of posttraumatic recovery: The role of perceived self-efficacy. Behaviour research and therapy. 2004;42(10):1129-48.
11. Bandura A. Social cognitive theory and exercise of control over HIV infection. Preventing AIDS: Springer; 1994. p. 25-59.
12. Tahmasian K, Fata L. The role of parent's education in girls' and boys' self-efficacy. Journal Of Family Research
13. 2007;2(8).
14. Tucker S, Gross D, Fogg L, Delaney K, Lapporte R. The long-term efficacy of a behavioral parent training intervention for families with 2-year-olds. Research in nursing & health. 1998;21(3):199-210.
15. Sanders MR. Triple P-Positive Parenting Program as a public health approach to strengthening parenting. Journal of family psychology. 2008;22(4):506.
16. Bornstein MH. Parenting science and practice. Handbook of child psychology. 2007;4.
17. Bornstein L, Bornstein M. Parenting styles and child social development. Encyclopedia on early childhood development Montreal: Centre of Excellence for Early Childhood Development and Strategic Knowledge Cluster on Early Child Development. 2007.
18. Collins WA, Maccoby EE, Steinberg L, Hetherington EM, Bornstein MH. Contemporary research on parenting: The case for nature and nurture. American psychologist. 2000;55(2):218.
19. Maccoby EE. Family structure and children's adjustment: Is quality of parenting the major mediator? Monographs of the Society for Research in Child Development. 1992;57(2-3):230-8.
20. Abidin RR. Parenting Stress Index: a measure of the parent–child system. 1997.
21. Crnic KA, Greenberg MT. Minor parenting stresses with young children. Child development. 1990;61(5):1628-37.
22. Passino AW, Whitman TL, Borkowski JG, Schellenbach CJ, Mazwell SE, Keogh D, Rellinger E. Personal adjustment during pregnancy and adolescent parenting. Adolescence. 1993;28(109):97-123.
23. Pinderhughes EE, Dodge KA, Bates JE, Pettit GS, Zelli A. Discipline responses: Influences of parents' socioeconomic status, ethnicity, beliefs about parenting, stress, and cognitive-emotional processes. Journal of family psychology. 2000;14(3):380.
24. Janson S. A non-violent upbringing of children. Positive parenting in contemporary Europe. 2006.
25. Goldberg S, Janus M, Washington J, Simmons RJ, MacLusky I, Fowler RS. Prediction of preschool behavioral problems in healthy and pediatric samples. Journal of developmental and behavioral pediatrics. 1997.
26. Webster-Stratton C. Preventing conduct problems in Head Start children: strengthening parenting competencies. Journal of consulting and clinical psychology. 1998;66(5):715.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

27. Sanders MR, Mazzucchelli TG. The power of positive parenting: Transforming the lives of children, parents, and communities using the Triple P system: Zehn Aviz; 2017.
28. Castro FG, Barrera Jr M, Holleran Steiker LK. Issues and challenges in the design of culturally adapted evidence-based interventions. Annual Review of Clinical Psychology. 2010;6:213-39.
29. Janbozorgi M, Gharavi SM. Principle of Psychotherapy and Cunseling, an Islamic Approach (Concepts, Process and Technics)2016.
30. King PE, Boyatzis CJ. Religious and spiritual development. Handbook of child psychology and developmental science. 2015:1-48.
31. El-Khani A, Calam R. The role of values and religious beliefs in positive parenting. The power of positive parenting: Transforming the lives of children, parents, and communities using the Triple P system2018. p. 344-53.
32. Mahoney A, Tarakeshwar N. Religion's role in marriage and parenting in daily life and during family crises. Handbook of the psychology of religion and spirituality. 2005:177-95.
33. Howard CS, Westefeld JS, Olds VS, Ansley T, Laird N, Olds GR. Spiritually based parenting workshop: An outcome study. Mental Health, Religion and Culture. 2007;10(4):417-34.
34. Dollahite DC, Thatcher JY. Talking about religion: How highly religious youth and parents discuss their faith. Journal of Adolescent Research. 2008;23(5):611-41.
35. Yeung JW, Chan Y-C. Parents' religious involvement, family socialization and development of their children in a Chinese sample of Hong Kong. Social indicators research. 2014;117(3):987-1010.
36. Goeke-Morey MC, Cairns E, Merrilees CE, Schermerhorn AC, Shirlow P, Cummings EM. Maternal religiosity, family resources and stressors, and parent–child attachment security in Northern Ireland. Social Development. 2013;22(1):19-37.
37. Rosenberg M. Rosenberg self-esteem scale (RSE). Acceptance and commitment therapy Measures package. 1965;61(52):18.
38. Muris P. A brief questionnaire for measuring self-efficacy in youths. Journal of Psychopathology and behavioral Assessment. 2001;23(3):145-9.
39. Bozorgi MJ. Investigating the methods of teaching the internalization of respect for the law in children, Tutek Research Project, Welfare Organization and Scientific and Industrial Research Organization. 2004.
40. Bozorgi MJ. Multidimensional spiritual therapy; A God-Su approach to counseling and psychotherapy. Seminary and University Publications. 2019.
41. Mohammadi N. The Preliminary Study of Validity and Reliability of Rosenberg's Self-esteem Scale. journal of developmental psychology. 2005;1:4.
42. Aghajani S, Khormaee F, Rajabi S, khiavi ZR. The relationship of self-esteem and self-efficacy to mathematical anxiety in students. Journal of School Psychology. 2012;1(3).
43. Dabiri S, Delavar A, Sarami G. The predictive role of parenting styles and self-esteem in students' happiness. Educational psychology. 2011;7(20):1-16.
44. Bandura A, Barbaranelli C, Caprara GV, Pastorelli C. Multifaceted impact of self-efficacy beliefs on academic functioning. Child development. 1996;67(3):1206-22.
45. Tahmassian K. Validation and Standardization of Persian Version of Self-Efficacy Questionnaire-Children. Journal of Applied Psychology. 2007;1(4, 5):373-90.
46. Jan-bozorgi M. Principles of Spiritually Multidimensional Psychotherapy (SMP). Quarterly Journal of Islamic Psychology. 2016;1 winter
47. Dickie JR, Ajega LV, Kobylak JR, Nixon KM. Mother, father, and self: Sources of young adults' God concepts. Journal for the Scientific Study of Religion. 2006;45(1):57-71.
48. Bartkowski JP, Ellison CG. Divergent models of childrearing in popular manuals: Conservative Protestants vs. the mainstream experts. Sociology of Religion. 1995;56(1):21-34.
49. Mahoney MW, Jorgensen WL. Diffusion constant of the TIP5P model of liquid water. The Journal of Chemical Physics. 2001;114(1):363-6.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

50. Wilcox WB. Focused on their families: Religion, parenting, and child well-being. Authoritative Communities: Springer; 2008. p. 227-44.
51. Kavyani Z, janbozorgiorcid M, taqvaee D. The Prediction of Children's Self-Esteem Based on Parents' Parenting Styles and Mothers' Religiosity. 2019;13(24):49-69.
52. Lippold MA, Davis KD, Lawson KM, McHale SM. Day-to-day consistency in positive parent–child interactions and youth well-being. Journal of child and family studies. 2016;25(12):3584-92.
53. Hawkins JD, Herrenkohl TI, Farrington DP, Brewer D, Catalano RF, Harachi TW, Cothern L. Predictors of Youth Violence. Juvenile Justice Bulletin. 2000.
54. Bartkowski JP, Xu X. Distant patriarchs or expressive dads? The discourse and practice of fathering in conservative Protestant families. The Sociological Quarterly. 2000;41(3):465-85.
55. Abbott DA, Berry M, Meredith WH. Religious belief and practice: A potential asset in helping families. Family relations. 1990:443-8.
56. Seyed Hoseine MS, Davudi H, Narouei Nosrati R. The Prediction of the Level of Self-Control among Male and Female High School Teenagers Based on the Level of Islamic Patience and Religious Orientation. Studies in Islam and Psychology. 2020;14(26):67-86.
57. Perkins HW. Parental religion and alcohol use problems as intergenerational predictors of problem drinking among college youth. Journal for the Scientific Study of Religion. 1987:340-57.
58. Elifson KW, Petersen DM, Hadaway CK. Religiosity and delinquency: A contextual analysis. Criminology. 1983;21(4):505-28.
59. Brody GH, Stoneman Z, Flor D. Parental religiosity, family processes, and youth competence in rural, two-parent African American families. Developmental psychology. 1996;32(4):696.
60. Kim-Spoon J, Farley JP, Holmes C, Longo GS, McCullough ME. Processes linking parents' and adolescents' religiousness and adolescent substance use: Monitoring and self-control. Journal of youth and adolescence. 2014;43(5):745-56.
61. Laird RD. Correlates and antecedents of parental psychological control in early adolescence. Parenting: science and practice. 2011;11(1):72-86.
62. Bartkowski JP, Xu X, Levin ML. Religion and child development: Evidence from the early childhood longitudinal study. Social science research. 2008;37(1):18-36.
63. Burr WR, Marks LD, Day RD. Sacred matters: Religion and spirituality in families: Routledge; 2011.
64. Unnever JD, Cullen FT, Agnew R. Why is "bad" parenting criminogenic? Implications from rival theories. Youth Violence and Juvenile Justice. 2006;4(1):3-33.
65. Gottfredson MR, Hirschi T. A general theory of crime: Stanford University Press; 1990.
66. Dehghan Manshadi SM, Gholamrezay S, Ghaznanfari F. The Effectiveness of Positive Parenting Skills Training on Parental Self-Efficacy and Children's Behavioral Problems in Female-Headed Households in City of Yazd. socialwm. 2016;5(2):20-7.
67. Wilcox WB. Religion, Convention, and Paternal Involvement. Journal of marriage and family. 2004;64(3).
68. Bowers EP, Gestsdottir S, Geldhof GJ, Nikitin J, Eye Av, Lerner RM. Developmental trajectories of intentional self regulation in adolescence: the role of parenting and implications for positive and problematic outcomes among diverse youth. journal of adolescence. 2011;34(6):1993-206.
69. Gervais WM, Norenzayan A. Analytic thinking promotes religious disbelief. Science. 2012;336(6080):493-6.
70. Tabatabai SMH. Balance in the interpretation of the Qur'an1995.
71. Moharreri F, Soltanifar A, Khalesi H, Eslami N. The Evaluation of Efficacy of the Positive Parenting for Parents in Order Improvement of Relationship with Their Adolescents. Medical journal of mashhad university of medical sciences. 2012;5(2).
72. Malekzade L, Heidari M, Pakdaman S, Tahmassian K. The Mediator Relationship/Effect of Subsets of Applied Parenting Styles and Self Efficacy on Psychological Well Being in Adolescents Journal of Family Research. 2014;10(37).

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]

73. Mirzabeigi H. The effectiveness of training how to bringing up children based on Iranian culture on parents
74. growing methods and children's achievements. J Educ Dev Jundishapour (persian). 2014;1:74-82.
75. Teti DM, Gelfand DM. Behavioral competence among mothers of infants in the first year: The mediational role of maternal self-efficacy. Child development. 1991;62(5):918-29.
76. Bornstein MH. Handbook of Parenting: Volume 5: The Practice of Parenting: Routledge; 2019.
77. Harter S, Waters P, Whitesell NR. Relational self-worth: Differences in perceived worth as a person across interpersonal contexts among adolescents. Child development. 1998;69(3):756-66.
78. Bandura A. Self-self efficacy: The exercise of control. New York: Freeman; 1997.
79. Leidy MS, Guerra NG, Toro RI. Positive parenting, family cohesion, and child social competence among immigrant Latino families. Journal of Family Psychology. 2010;24(3):252.
80. Akhtar P, Malik JA, Begeer S. The grandparents' influence: Parenting styles and social competence among children of joint families. Journal of child and family studies. 2017;26(2):603-11.
81. Jeon S, Neppl TK. Economic pressure, parent positivity, positive parenting, and child social competence. Journal of Child and Family Studies. 2019;28(5):1402-12.
82. Steinberg L. Cognitive and affective development in adolescence. Trends in cognitive sciences. 2005;9(2):69-74.
83. Barber BK, Harmon EL. Violating the self: Parental psychological control of children and adolescents. 2002.
84. Miller-Loncar CL, Landry SH, Smith KE, Swank PR. The role of child-centered perspectives in a model of parenting. Journal of Experimental Child Psychology. 1997;66(3):341-61.
85. Sherkat DE, Ellison CG. Recent developments and current controversies in the sociology of religion. Annual review of sociology. 1999;25(1):363-94.
86. Goeke-Morey MC, Cummings EM. Religiosity and parenting: recent directions in process-oriented research. Current opinion in psychology. 2017;15:7-12.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.2.8.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.2.276]